



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۶/۲۹

کاندید اکادميسين سيستانى

قشر آگاه وطن، افغانستان را دریابید!

هموطنان عزیز!

افغانستان روزگار سختی را میگذراند، و در حالی که از یک حکومت مقتدر ملی برخوردار نیست، با تشدید حملات انتحاری و انفجاری طالبان بر محلات مزدحم شهر کابل و ولایات کشور با از دست دادن فرزندان خود و ولسوالی ها روبروست، این مشکلات در کنار خروج نیروهای امریکائی از کشور بخاطر اجرای پیمان دوحه، اوضاع و شرایطی را بر کشور تحمیل کرده که امنیت و سلامت مردم و تمامیت ارضی کشور را با خطر مواجه نموده است.

یکی از دشمنان بنیادی و تاریخی افغانستان، پاکستان و سازمان استخباراتی آنکشور (آی اس آی) است که از زمان جمهوریت داودخان تا امروز از هیچگونه خرابکاری و ضربه زدن به پیکر اقتصادی و اجتماعی و نظامی افغانستان دریغ نورزیده و برعکس تا توانسته بر قدرت نظامی خود افزوده است.

متأسفانه قشر آگاه کشور شامل دانشمندان، قلم بدستان و صاحب نظران و تحلیلگران و رهبران احزاب سیاسی افغان حتی در مسئله تجاوز پاکستان به خاک افغانستان بسیار کم سهم میگیرند. گویی که این مسئله مهم را پائین تر از شأن و مقام علمی و سیاسی و فرهنگی و روشنفکری خود می پندارند، لهذا بدان دلچسپی نشان نمیدهند، و وقتی خدای نخواستہ بخشی از کشور به اشغال بیگانه در آید، آنگاه جلسه و کنفرانس تدویر میکنند و داد سخن میدهند ولی باید دانست که آنگاه دیگر دیر شده و کنفرانس و میتنگ شان بی وقت و بی اثر خواهد بود.

این عدم علاقمندی به موقع در مسایل ملی از سوی نویسندگان و خبره گان و دانشمندان مملکت در داخل و خارج، به این معنی نیست که آنها وطن خود را دوست ندارند و یا خدای نخواستہ به تجاوز بیگانه بر کشور خوشحال استند، بلکه ما طوری تربیت و بزرگ شده ایم که متأسفانه حس میهن پرستی و روحیه ملت خواهی در وجود ما به حد لازم رشد نکرده و ریشه نگرفته و ضعیف است و به همین علت منافع خصوصی و شخصی را بر منافع ملی و علیای کشور ترجیح میدهم. غم وطن و درد مملکت را درد خود نمیدانیم و عواقب ناگوار راکت پرانی و فیرتوپ های تباهن دشمن را بر یک گوشه دور افتاده کشور، مصیبت و ماتم خود نمی شماریم و یک نوعی فرهنگ «بمه چی؟» در میان ما رواج یافته است.

یک مثال می آورم: در ماه سپتمبر/۲۰۱۱ به ارتباط راکت پرانی نظامیان پاکستان بر ولایات کنر و ننگرهار و زابل سه مقاله نوشتم و از طریق پورتال افغان جرمن به نشر سپردم و آنگاه که جنرال امرخیل به عنوان قوماندان سرحدی زون شرقی برسم اعتراض بر بی تفاوتی دولت کرزی نسبت به این مسئله ملی از وظیفه اش استعفی داد، من بار دیگر مقالتی نوشتم و در آن توجه «شخصیت های ملی، احزاب سیاسی و دانشمندان و میدیای افغانی» را به این موضوع حیاتی جلب نمودم تا خرد

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

ودانش سیاسی خود را در راه افشای دسایس دشمن و بی تفاوتی دولت مردان افغان بکار گیرند و صدای اعتراض خود را از طریق نوشته، مصاحبه و تبصره ها و تحلیل های سیاسی بگوش مجامع بین المللی برسانند .

در حالیکه صدها نویسنده و صاحب نظر افغان مقیم خارج هر شب شاهد گزارش های حملات توپخانه اردوی پاکستان بردهات و قصبیات و لایات شرقی و جنوب شرقی کشور بودند و بعد از آن هر چندگاهی رسانه های ملی از حملات راکتی پاکستانی ها گزارش میدادند و از دولت افغانستان انتظار عکس العمل بالمثل را داشتند، اما (بجز تندی چند از گردانندگان رسانه های گروهی افغانها) از دولت و پارلمان افغانستان و از روشنفکران و قلم بدستان و رجال سیاسی افغان صدایی بلند نمیشد، گویی که هیچ حادثه ناگواری از سوی دشمن متوجه این کشور نبود و نیست. علاوه در هیچ یک از شهرها و هیچیک از مراکز تحصیلی و از سوی هیچ نهاد سیاسی عکس العملی در تقبیح این تجاوز صریح و آشکار پاکستان به نظر نمیخورد که البته مایه تاسف است و مؤید فقدان فرهنگ سهم گیری در مسایل ملی و میهنی ماست.

بنابراین به این نتیجه رسیدم تا بگویم که: روحیه وطن پرستی و مردم دوستی و بشرخواهی را می باید از دوران کودکی به کودکان خودآموخت و در خانواده و مدرسه و مکتب و پوهنتون رشد و تقویت داد و از طریق رسانه های جمعی درگوش جان مردم فروچکاند. باید کانونهای تعلیمی و تحصیلی و پوهنتون ها را به گهواره وطن پرستی مبدل ساخت. همین پوهنتون کابل در دهه ۶۰ قرن گذشته بمثابة قلب پرتپش جنبش های سیاسی در حرکت بود و تحولات سالهای بعدی، پیامد جنب و جوش همان دوره است.

پوهنتون های امروزی افغانستان که باید مثل گذشته بحیث مغز متفکر و قلب پرتپش جامعه خود عمل کنند، در برابر حوادث جاری و تجاوزات آشکار پاکستان بر ولایات کنر و نورستان و پکتیا و زابل و قندهار و هلمند چنان بی تفاوت و بی حرکت مانده اند که هیچ واکنش مدنی مبتنی بر وطن دوستی و تقبیح تجاوز همسایگان بر مادروطن از سوی محصلان پوهنتونها و نویسندگان و اهل مطبوعات و ژورنالیستان هوشیار و آگاه وطن دیده نمیشود و یا کمتر دیده میشود. (شاید نا امنی و حملات انتحاری دلیل عدم تظاهرات شمرده شود، اما چگونه است که بخاطر تغییر مسیر لین برق از بامیان تظاهراتی نیم میلیون نفر در کابل برگزار شد و هیچ عمل انتحاری نیز صورت نگرفت؟)

در حال حاضر که کشور مطابق نقشه های استعماری پاکستان از سوی گروه های افراطی طالبان و داعش مورد یورش سرتاسری قرار گرفته و دشمن قصد اشغال وطن ما را دارد و روستاهای نزدیک بخطر دیورند در هنگام تمدید سیم خاردار از سوی پاکستان اشغال شده میروند، هر اقدام دیگر در مقایسه با تجاوزات علنی پاکستان در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. زیرا وظیفه اصلی همه وطن پرستان و از جمله دولت جمهوری افغانستان دفاع از تمامیت ارضی و حراست از نوامیس ملی است. بر آنهاست تا تمام خرد سیاسی و نیروی فزیکی خود را بکار گیرند و تجاوزات علنی پاکستان را بر جغرافیای سیاسی افغانستان عقیم سازند و اهداف تجاوز کارانه پاکستان و سازمانهای جاسوسی و ایادی آن را با شهادت محکوم و افشا نمایند و روحیه وحدت ملی را در مردم تقویت بخشند تا هم نقش وطن پرستانه خود را در دفاع از مادر وطن ایفا کنند و نگذارند تا یک وجب از خاک وطن در جنگ دشمن بیفتد.

پایان 29 /6/ 2021